

روسیه و ناتو

تالیف:

دکتر سید حسن حسینی

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



عنوان و نام پدیدآور: روسیه و ناتو/ تألیف سیدحسین میرفخرایی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.

فروست: علوم سیاسی؛ ۱۵۷. سیاست؛ ۴۸.

شابک: 978-600-5282-71-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۱۹.

نوع سازمان پیمان آتلانتیک شمالی.

موضوع: North Atlantic Treaty Organization

موضوع: روسیه - روابط خارجی - قرن ۲۱ م.

نوع: روسیه - روابط خارجی - ایران

موضوع: ایران - روابط خارجی - روسیه شوروی

شناسه افزوده: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

شناسه افزوده: Research Institute of Strategic Studies

رده‌بندی کنگره: ۶/۳ - ۹۷۳ - ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۹۱۸۲۱ - ۳۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۳۶

روسیه و ناتو

تألیف: سیدحسین میرفخرایی

ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۵۰۰

چاپ و صحافی: کامیاب

قیمت: ۹۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۲-۷۱-۹

تهران خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر شرقی.

شماره ۷ - صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

تلفن: ۸۸ ۹۱ ۲۸ ۳۰ دورنگار: ۸۸ ۸۹ ۶۵ ۶۱

تلفکس انتشارات: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۶ روابط عمومی: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۷

کلیه حقوق برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.



پژوهشکده مطالعات راهبردی

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
	فصل اول - چهار سال تا یک
۲۵	مقدمه
۲۷	مدل تجزیه و تحلیل سیستمی
۳۰	سیاست خارجی، محیط و تصمیم‌گیری
۳۲	پیشینه و مبانی نظریات تصمیم‌گیری
۳۳	صبغه روان‌شناختی نظریات تصمیم‌گیری
۳۶	جنبش رفتارگرایی و نظریات تصمیم‌گیری
۳۸	مدل‌ها و سطوح تحلیل در نظریه تصمیم‌گیری
۴۱	نظریه تصمیم‌گیری از منظر رابرت جرویس
۴۶	مدل تصمیم‌گیری براساس الگوی رابرت جرویس
	فصل دوم - شوروی و ناتو در دوره جنگ سرد
۴۹	مقدمه
۵۱	روند و علل تشکیل پیمان ناتو
۵۲	روند جنگ سرد و موازنه وحشت
۵۵	رقابت دو ابرقدرت پس از بحران موشکی کوبا
۵۸	قرارداد (سالت - ۱ و ۲): برآیندها و پیامدها

جنگ ستارگان: پیامدها و برآمدها.....	۶۱
جمع‌بندی.....	۶۲

فصل سوم- گسترش ناتو به شرق و واکنش روسیه (دهه ۱۹۹۰)

مقدمه.....	۶۵
پایان جنگ سرد و تحولات ناتو.....	۶۸
غرب‌نگری در سیاست خارجی روسیه و گسترش ناتو.....	۷۰
آغاز مقاومت در مقابل گسترش ناتو: ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵.....	۷۴
ادامه همکاری و مخالفت در برابر ناتو: ۱۹۹۶ به بعد.....	۸۷
جمع‌بندی.....	۹۵

فصل چهارم- سیاست خارجی روسیه (۲۰۰۸ - ۲۰۰۰)

مقدمه.....	۹۷
نظام سیاسی و جناح‌های قدرت در روسیه.....	۹۸
سیلوویک‌ها: پیشینه اجتماعی، منافع و اهداف.....	۱۰۰
فهرستی از اعضای گروه سیلوویک در ساختار تصمیم‌گیری روسیه.....	۱۰۵
سیلوویک‌ها و سیاست خارجی روسیه.....	۱۰۶
سیاست خارجی روسیه در عرصه نظری.....	۱۰۸
سیاست خارجی روسیه در عرصه عملی.....	۱۱۱
الف) دور نخست ریاست‌جمهوری پوتین (۲۰۰۴ - ۲۰۰۰).....	۱۱۱
ب) دور دوم ریاست‌جمهوری پوتین (۲۰۰۸ - ۲۰۰۴).....	۱۱۷
جمع‌بندی.....	۱۲۲

فصل پنجم- روسیه و ناتو: دوره تعامل نسبی

مقدمه.....	۱۲۵
سایه عمل‌گرایی بر سیاست روسیه در برابر امریکا.....	۱۲۶
روسیه و ناتو: دوره تعامل نسبی.....	۱۲۹

نشست ریکاوک و پیامدهای آن	۱۳۴
همکاری روسیه با ناتو؛ واکنش‌های داخلی	۱۳۷
محورهای همکاری روسیه با ناتو	۱۳۸
۱. مبارزه مشترک علیه تروریسم	۱۳۹
۲. دفاع موشکی مشترک	۱۴۱
۳. پاسداری از صلح در بالکان	۱۴۲
جمع‌بندی	۱۴۳

فصل هشتم - روسیه و ناتو: دورهٔ تقابل (۲۰۰۸ - ۲۰۰۴)

مقدمه	۱۴۵
نگرش‌ها و برداشتهای ذی‌سلیوویک در قلمروی سیاست خارجی	۱۴۶
روسیه و گرایش به سیاست تابل	۱۴۸
سیاست‌های تقابلی روسیه در برابر ناتو	۱۵۴
الف) مخالفت با پروژهٔ استقرار موشک‌های آمریکا در اروپای شرقی	۱۵۴
ب) تعلیق عضویت در پیمان سی‌اف‌ای (NATO)	۱۶۰
پ) سیاست نفوذ در اوراسیا	۱۶۲
۱- تحکیم موقعیت نظامی، امنیتی و اقتصادی در آسیای مرکزی (CIS)	۱۶۵
۲- سلاح انرژی	۱۶۹
۳- بهره‌گیری از شکاف‌های قومی منطقه‌ای	۱۷۲
جمع‌بندی	۱۷۸

فصل نهم - روسیه و ناتو: دورهٔ مدودف (۲۰۰۸ - ۲۰۱۱)

مقدمه	۱۸۱
ادوار چندگانهٔ گسترش ناتو	۱۸۲
سیاست خارجی روسیه در برابر گسترش ناتو	۱۸۵
سیاست‌های اوباما و آثار آن بر روابط روسیه و ناتو	۱۸۸
نشست لیسبون و آثار آن بر روابط روسیه و ناتو	۱۹۱

۱۹۲.....	جمع‌بندی
فصل هشتم- تحول روابط روسیه و ناتو در دوره مدودف و تأثیر آن بر روابط دو جانبه با ایران	
۱۹۵.....	مقدمه
۱۹۶.....	بازنگری بر تحولات روابط ناتو و روسیه
۱۹۹.....	تحولات روابط ایران و روسیه
۱۹۹.....	۱. نگاه روسیه به ایران
۲۰۳.....	نگاه ایران به روسیه
۲۰۶.....	ناتو و جمهوری اسلامی ایران
۲۰۶.....	۱. راهبرد ناتو در قبال ایران
۲۱۰.....	۲. مواضع ایران در قبال ناتو
۲۱۴.....	ارزیابی آثار مناسبات روسیه و ناتو بر روابط مسکو با تهران
۲۱۵.....	۱. برداشت تهدید از ماهیت برنامه هسته‌ای ایران
۲۱۷.....	۲. تحدید همکاری‌های فنی و نظامی جمهوری اسلامی ایران
۲۱۷.....	جمع‌بندی
۲۱۹.....	کتابنامه

پیشگفتار

مطالعه روابط روسیه و غرب امری پیچیده و دشوار به نظر می‌رسد؛ زیرا، هنگام مطالعه این مناسبه، انبوهی از تعارضات و تناقضات مفهومی و رفتاری در مقابل دیدگان پژوهشگران قرار می‌گیرد. برای نمونه، روسیه از یک سو گرایشی نیرومند و انکارناپذیر دارد که خود را جزئی از «تمدن غربی» بدانند و دیگر کشورها نیز از چنین زاویه‌ای به آن بنگرند و از دیگر سو، روس‌ها خواه به سبب جایگاه ژئوپلیتیکی خود یا علل دیگر اشتیاقی تاریخی دارند که نزد جامعه بین‌الملل، هویتی مستقل را احتیاجمند از خود به نمایش گذارند؛ هویتی که به روسیه اجازه می‌دهد گاه بر سر منافع استراتژیک ادعاهای غربی به رقابت و حتی ستیز بپردازد و گاه در صف دولت‌های شرقی و آسیایی در برابر غرب بایستد. بلاتکلیفی هویتی، فرهنگی و سیاسی روسیه موجب شده است که دولت‌های غربی در درستی نتوانند سیاستی پایدار و روشن نسبت به این کشور در پیش گیرند.

با این همه، به نظر می‌رسد که مشکل دوسویه است؛ زیرا، غرب نیز دیدگاهی منسجم و واحد در برابر روسیه ندارد؛ در حالی که برخی خواهان سبب نشان دادن استراتژیک و آسیایی کردن این کشورند، عده‌ای دیگر نقشی اغماض‌ناپذیر برای روسیه در تسعیر و تحکیم امنیت در اروپا قائل هستند. سراسر تاریخ پر فراز و فرود روابط روسیه و غرب در دوره معاصر نشان‌دهنده بلاتکلیفی سیاسی میان این دو حوزه جغرافیایی است.

سیاست خارجی روسیه در برابر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و گسترش آن به شرق نیز نمی‌تواند مستقل از انگاره‌های دیرپایی باشد که چون زنگارهایی بر ذهنیت تاریخی نخبگان سیاسی و فرهنگ ملی روسیه نقش بسته است. نگرش‌ها، بیم‌ها، دل‌بستگی‌ها، امیدها و نفرت‌های تاریخی بسیاری که در تاریخ‌خانه فرهنگ استراتژیک روسیه نسبت به غرب به طور

اعم و ناتو به طور اخص وجود دارد، هرگونه سناریوسازی تک‌بعدی‌ای را نسبت به وضعیت کنونی و آینده روابط روسیه و ناتو را دشوار می‌کند.

در اثر حاضر تلاش شده است تا با بهره‌گیری از یک چهارچوب نظری خاصی که هم به نقش نخبگان سیاسی حاکم اعتبار می‌بخشد و هم تا حدودی ذهنیت تاریخی آنها را بررسی می‌کند، برخی نقاط تاریک یا مبهم روابط روسیه و ناتو، به‌ویژه بخش طرح گسترش آن سازمان به شرق اروپا روشن شود. هرچند همان‌گونه که به طور تلویحی اشاره شد، ممکن است که این نوشتار نیز اسخ‌گوی تمام پرسش‌های بنیادین در زمینه روابط روسیه و ناتو نباشد.

به هر حال، در این پژوهش، تلاش شده است تا از رهگذر بهره‌گیری از جدیدترین و معتبرترین مقالات و کتاب‌هایی که در زمینه روابط روسیه و ناتو نوشته شده است، دیدگاه‌ها و نظرهای مطرح در این زمینه را با یافته‌های نظری و عملی خود بیازماید و در صورت لزوم، آنها را سیقل دهد؛ زیرا نگاه به پرسیدن به این هدف خود، به منطقه قفقاز سفر و با تکی چند از صاحب‌نظران مسائل روسیه و قفقاز و ناتو بحث و گفت‌وگو کرده است. در همین جا، شایسته و بایسته است تا از برترین این استادان، به‌عنوان مثال، پروفسور جورج خوتسیشویلی و پروفسور نودار بلکانیا، به سبب معرفی منابع ارزشمند و ارائهٔ افکار عمیقی فکری فراوان صمیمانه سپاس‌گزاری کنم. همچنین بر خود لازم می‌دانم تا از استادان برجستهٔ ایرانی، به‌عنوان مثال، دکتر سید علی دمیترچ، سفیر محترم ایران در گرجستان و آقای هاشمی، دبیر اول سفارت جمهوری اسلامی ایران در تفلیس، به سبب زحمات فراوانی که در امر زمینه‌سازی و تدارک این دیدارها متحمل شدند سپاس‌گزاری کنم. از مؤسسه مطالعاتی و فرهنگی روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس) که نوشتار را تا دسترسی این جانب را به برخی مقالات و آثار مکتوب دربارهٔ موضوع پژوهش هموار کند، سپاس‌گزارم.

بمنه و کرمه - سید علی میرفخرائی

مقدمه

ایان جنگ سرد نقطه عطفی مهم و تعیین کننده در تحول روابط بین قدرت های بزرگ به شمار می رود. بی گمان، این رویداد با پیامدهای ژئوپلیتیکی شگرفی در نظام بین الملل همراه بوده است. او سیای کلی و منطقه ای است که بلافاصله پذیرای پیامدهای ناشی از فروپاشی نظام دوقطبی شد. در این میان، نهادها و ساختارهای بین المللی نظامی-امنیتی، سیاسی و اقتصادی وابسته به غرب با درک وضعیت بین المللی نوین پس از جنگ سرد، به بازنگری در سیاست ها و رویکردهای استراتژیک خود اقدام کردند. در این بین این نهادها و سازمان ها، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) اهمیت ویژه ای داشته است. این سازمان که بلافاصله پس از فروپاشی شوروی، با تنگناهایی هویتی در زمینه ابهام در تداوم حیات سیاسی-امنیتی خود روبه رو بود، راه برون رفت خود را از این بحران در گسترش مرزهای جغرافیایی به سمت شرق و بازنگری در سطوح «ساختار»، «اهداف» و «کارکرد» خود یافت. گسترش ناتو به شرق به سبب تأثیرات شگرف و دامنه داری که بر روابط روسیه با کشورهای اروپای شرقی از یک سو و تنش ها و رقابت روسیه با دولت های اروپای غربی، به ویژه ایالات متحده آمریکا از سوی دیگر داشته است، حساسه ای مهم و اساسی نزد اغلب پژوهشگران و صاحب نظران سیاست بین الملل تبدیل شده است.

تاریخچه سیاست خارجی شوروی/روسیه نسبت به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) مبتنی بر رقابت و رویارویی است. در یک تقسیم بندی تاریخی می توان به جنگ سرد و تعاملات میان روسیه/شوروی و ناتو را به سه مرحله زمانی مختلف تفکیک کرد:

۱. اتحاد جماهیر شوروی و ناتو در دوران جنگ سرد،
۲. جمهوری فدراتیو روسیه و ناتو در دهه ۱۹۹۰ و
۳. جمهوری فدراتیو روسیه و ناتو پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.

در این مراحل زمانی سیاست مسکو نسبت به این سازمان نظامی چند ملیتی تابعی از ساختار نظام بین‌الملل و دگرگونی‌های رخ داده در آن از یک‌سو و تحولات و پویای معطوف به سیاست داخلی این کشور از سوی دیگر است. این موضوع که سیاست کرم‌لین در برابر گسترش ناتو به شرق پس از فروپاشی کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی سابق تابع کدام یک از متغیرهای داخلی یا بیرونی بوده است، از ابهاماتی است که مشکل بتوان پاسخی روشن به آن داد. نگاهی اجمالی به فلسفه وجودی تشکیل پیمان ناتو می‌توان دریافت که این سازمان در حقیقت، برای مهار کمونیسم و جلوگیری از گسترش جغرافیایی آن به سمت اروپا تأسیس شد. نکته بارخور توجه آن است که این وضعیت پس از فروپاشی کمونیسم در شوروی سابق برعکس شد. در نهایت، پایان یافتن جنگ سرد این بار مسئله گسترش ناتو به سمت شرق بود که مرزهای سنتی روسیه/ شوروی را به طور جدی، تهدید می‌کرد. در ژوئیه ۱۹۹۰، رئیس‌ان دولت‌های عضو در نشست‌های دربارۀ مسائل مختلف اروپا بحث و آنها را بررسی کردند و سرانجام با صدور بیانیه‌ای، چنین اعلام نمودند که: «اروپای شرقی و مرکزی وارد دورۀ جدیدی شده است که نس و ژئوپلیتیکی را برای ناتو طلب می‌کند. بر این اساس، این سازمان باید به کشورهای اروپای سابق نزدیک شود و دست دوستی به سوی آنها دراز کند» (Vorontsov and Others 1997).

در اجلاس رؤسای عضو ناتو (نوامبر ۱۹۹۱)، بار دیگر سیاست نزدیکی ناتو به دولت‌های اروپای شرقی و برنامه توسعه فعالیت‌های این سازمان به خارج از قلمروی جغرافیایی آن تأکید شد. ناتو با تشکیل یک نهاد نوین بین‌المللی موسوم به «شورای همکاری آتلانتیک شمالی» و نیز در پرتو پیاده‌سازی طرح «مشارکت برای صلح» هدف خود را به سمت گسترش به سمت شرق با جدیت بیشتری پی گرفت. در سایه تشکیل شورای همکاری آتلانتیک شمالی، ناتو کوشید تا بین اعضای خود و اعضای سابق پیمان ورشو، ارتباطی منظم برقرار کند. برقراری این ارتباط همان چیزی است که برخی آن را به خطر افتادن منافع روسیه در منطقه، حوزه‌های نفوذ سنتی‌اش می‌دانند و شاید بتوان گفت این امر مهم‌ترین چالش سیاست خارجی این کشور پس از جنگ سرد به شمار می‌آید. اهمیت این مسئله از آن روست که با تحقق کامل این امر روسیه ممکن است جایگاه سنتی خود را در مقام قدرتی جهانی از دست بدهد و با به عضویت درآمدن دولت‌های اروپای شرقی در ناتو، دیگر عضوی از جامعه اروپا به شمار نیاید و به تدریج،

شاهد کاهش نفوذ خود میان اقمار سابقش باشد (Smith 2006). بی‌گمان، گسترش جغرافیایی و نفوذ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به شرق و دربرگیری کشورهایی که پیش از این عضو اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو بودند، مهم‌ترین چالش سیاست خارجی روسیه پس از جنگ سرد است. از جمله عوامل نگرانی روسیه از گسترش ناتو به سمت مرزهای این کشور می‌توان به مواردی همچون تشدید عارضه احساس ناامنی روس‌ها از محیط ژئوپلیتیکی خود و نیز اتکال جغرافیایی بیشتر آنها از اروپا و تبدیل شدن به قدرتی آسیایی اشاره کرد.

جمهوری فدراتیو روسیه پس از آنکه از بقایای نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ بدون آمد، همواره با اصلاحات و دگرگونی‌های مختلفی روبه‌رو بوده است. در حقیقت، این نظام سیاسی در هر دو دوران ریاست‌جمهوری یلتسین و پوتین در سطوح نهادی، فرایندی و کارکردی به تدریج مداوم، دستخوش تحولات گوناگونی شده است. به باور بسیاری از آگاهان سیاسی، یکی از علل اصلی ناکامی سیاست خارجی روسیه در دهه ۱۹۹۰، اوضاع نابسامان نظام سیاسی این کشور در سال‌های یادشده است.

با این حال، به نظر می‌رسد با ظهور ایده پوتین در قلمروی سیاست روسیه، به‌ویژه رئیس‌جمهور شدن وی در سال ۲۰۰۰، این نظام سیاسی پذیرای اصلاحات یا تغییراتی شده است که مهم‌ترین تفاوت آن را با تغییرات یلتسین باید در بروز انسجام و هدفمندی در قدرت سیاسی این کشور دانست. در حقیقت، پوتین هرگاه با هم‌فکانش که با خود به کرملین آورد، کوشید تا با مهندسی - یا بهتر بگوییم - جراحی ساختار تصمیم‌گیری داخلی روسیه در حوزه‌های مختلف تقنینی، قضایی، امنیتی، اقتصادی و رسانایی در سطح فدرال و ایالتی، نه تنها ثبات را به ساختار نظام سیاسی داخلی روسیه برگرداند؛ بلکه با ساماندهی مجدد بافت اجرایی و تصفیه تدریجی نخبگان سیاسی در کشور و انتصاب سیاست‌داران و مدیران اجرایی و طرفدار خود به سمت اجرایی، کارآمدی این سیستم را نیز تقویت کند.

یکی از اهداف این اثر آن است که بافت، ساختار و فرایند سیاست‌گذاری خارجی را در جمهوری فدراتیو روسیه، به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری پوتین تحلیل و شناسایی کند. در حقیقت، هدف این پژوهش بررسی و شناسایی سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو به شرق پس از روی کارآمدن طیف جدیدی از نخبگان سیاسی به رهبری پوتین در هرم تصمیم‌گیری سیاست خارجی روسیه است. براساس مدعای این پژوهش به‌رغم درگیربودن

عوامل و بازیگران مختلف در روند تدوین سیاست خارجی روسیه، نهاد ریاست جمهوری — به‌ویژه گردونه معدودی از مشاوران و دستیاران نزدیک به رئیس‌جمهور مهم‌ترین بازیگران در عرصه ترسیم و تنظیم سیاست‌های اصلی خارجی روسیه به شمار می‌آیند. بر این پایه، شناخت ماهیت و پایگاه فکری افراد و چهره‌های نزدیک به رئیس‌جمهور — کلید فهم سیاست خارجی این کشور است.

از نظر نگارش دیوان‌سالارانه، سیاست خارجی جمهوری فدراتیو روسیه همچون دیگر کشورها در مراحل مهمی همچون تدوین، اجرا، هماهنگی و نظارت، با تأثیرپذیری از نهادها و سازمان‌های ویژه‌ای صورت می‌پذیرد. با توجه به وضعیت داخلی و بین‌المللی روسیه و نیز چرخش استراتژی گروهی سیاسی در این کشور میزان و چگونگی تأثیرپذیری سیاست خارجی روسیه از نهادها و مراکز سیاسی یادشده متفاوت است.

در این کتاب، فرصت تصمیم‌گیری در سیاست خارجی روسیه و نقش نخبگان و گروه‌های اصلی تعیین‌کننده در این عرصه، تکیه بر نظریات تصمیم‌گیری، به‌ویژه مدل تصمیم‌گیری رابرت جرویس مطالعه می‌شود. پس، رویکرد سیاست خارجی نوینی که در دوران ریاست‌جمهوری پوتین پدید آمد، شناسایی و تحلیل می‌شود. فهم به دست آمده که از شناسایی دقیق این مراتب صورت می‌پذیرد، مطالعه و تحلیل سیاست خارجی روسیه را نسبت به نظام بین‌الملل، به‌ویژه بحث مطرح شده در این نوشتار، نفوذ گسترش رو به رشد ناتو به شرق تسهیل خواهد کرد.

حجم مطالبی که درباره گسترش ناتو به شرق به زبان روسی در ایران موجود است، اندک است و غالباً از حد ترجمه یا نوشته‌های ژورنالیستی فراتر نمی‌رود؛ بنابراین، نمی‌تواند در ابهام‌زدایی از این موضوع راهگشا باشد. بخشی دیگر از مطالب که در موضوع این پژوهش پرداخته و به فارسی نیز موجودند، کتاب‌ها و مقاله‌هایی‌اند که هرچند از نظر علمی جایگاه قابل قبول‌تری دارند، موضوع پژوهش ما (تأثیر سیاست خارجی پوتین بر گسترش ناتو به شرق) دغدغه اصلی آنها نیست و تنها برای تکمیل موضوع بحث خود در حد چند صفحه به آن پرداخته‌اند. کتاب **برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز** نوشته تورج حاتمی (۱۳۸۲) که در واقع، پژوهشی به سفارش پژوهشکده آسیای مرکزی و قفقاز است، نخستین اثری به شمار می‌آید که می‌توان در این باره به آن اشاره کرد. این کتاب که نقطه

تمرکز خود را بر آسیای مرکزی و قفقاز قرار داده است، پس از آوردن مبانی نظری و پرداختن به موقعیت جغرافیایی منطقه و بازیگران ذی‌نفع در آن، به طور خاصی سیاست‌های روسیه و آمریکا را در این منطقه بررسی می‌کند. نویسنده در اثر خود، مسئله گسترش ناتو به شرق را یکی از زمینه‌های سیاسی و نظامی - امنیتی می‌داند که بر سر آن بین منافع آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز اختلاف است، وی می‌نویسد: «روس‌ها نمی‌توانند تحمل کنند که ناتو مأموریت جدیدی در حوزه‌های نفوذ شوروی سابق داشته باشد یا بدون صلاحدید روس‌ها در اروپای مرکزی، اقدام نماید» (حاتمی ۱۳۸۲: ۱۶۶).

نویسنده، واژه و نگرانی روسیه از گسترش مرزهای ناتو و در نتیجه، مخالفتش با این امر را از جنبه‌های امنیتی می‌داند که روسیه در ساختار جدید امنیتی اروپا در حاشیه قرار می‌گیرد و منزوی می‌شود (حاتمی، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

بنابراین، آنها به سبب اقدام غرب به منزله تهدیدی علیه ساختار امنیتی خود می‌نگرند. همچنان که از مطالب بی‌شائبه استنباط می‌شود، نویسنده بیشترین توجه خود را روی خطرهایی که روسیه را تهدید می‌کنند، نه اقدامات ناتو برای گسترش خود در دهه ۹۰ متمرکز کرده است و به دوران ریاست‌جمهوری بوشین، تأثیر سیاست‌های آن در این رابطه، که دغدغه این پژوهش است، نپرداخته است.

اثر بعدی کتاب **روابط روسیه - ناتو** نوشته لرتین اسمیت، استاد آکادمی نظامی رویال^۱ است. این کتاب، برای نخستین بار تحلیل جامعی از رابطه بین روسیه و ناتو ارائه می‌دهد. از زمان ظهور مجدد روسیه به منزله دولتی مستقل در دی‌اسمیت ۱۹۹۱ بحث و جدل‌های درباره تحول روابط روسیه و ناتو ویژگی اصلی صحنه امنیت اروپا شده است. لرتین اسمیت می‌کوشد این بحث و جدل‌ها و سیاست خارجی روسیه را نسبت به گسترش ناتو از آن‌ها به شرق در شش مرحله بررسی کند که عبارت‌اند از:

۱. ماه عسل ناپایدار از پایان ۱۹۹۱ تا اواخر تابستان ۱۹۹۳،
۲. وخامت چشمگیر روابط در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵،
۳. گشایش روابط ویژه از آغاز ۱۹۹۷ تا وقوع بحران کوزوو،

۴. بحران کوزوو و فسخ روابط در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹.

۵. احیای تدریجی و گسترش روابط ژوئن ۱۹۹۹ تا پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و

۶. پیشرفت چشمگیر و کیفی روابط پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (Smith 2006).

اثر دیگر کتاب روسیه و ناتوست. این کتاب دربرگیرنده مجموعه مقاله‌هایی است که جمعی از استادان و مقام‌های ارشد دیپلماتیک شامل سفیر سابق امریکا در ناتو، دستیار دبیر سابق ناتو، سفیر سابق فدراسیون روسیه در امریکا و ... در سال ۱۹۹۷ نوشته‌اند. کتاب روسیه و ناتو دربردارنده سه فصل مجزا شامل موضوعات روابط روسیه و ناتو و همکاری‌های در حال ظهور، پرسش‌هایی درباره عضویت روسیه در ناتو و چشم‌اندازهای ناتو و آینده امنیت اروپاست. بر آن است که اثر ابعاد مختلف رابطه روسیه و ناتو را از موضوعات مستقل گرفته تا همکاری‌های دوجانبه، محلی و معایب وارد شدن یا نشدن روسیه به ناتو و ... را در بر می‌گیرد و تجربه‌های عملی را در کنار مباحث تئوریک در یک مجموعه گردآوری می‌کند، اثر بسیاری ارزشمندی است؛ اما از این نظر به مباحث کتاب مربوط به پیش از به قدرت رسیدن پوتین در روسیه و وقوع حوادث بین‌المللی خلیج فارس حادئ ۱۱ سپتامبر - که نقطه عطف تاریخ جدید روابط بین‌الملل دانسته می‌شود -، تنها اثر تاریخی می‌نمایاند که خواننده را از فضای حاکم بر روابط بین‌الملل و مسئله بسیار مهم گسترش ناتو بعد از فروپاشی شوروی آگاه می‌کند (Vorontsov and Others 1997).

فیلیز سکیک^۲ و کریستوفر ریگلی^۳ در مقاله خود «گسترش ناتو» که در مارس ۱۹۹۹ منتشر شد، روند گسترش ناتو و به عضویت درآمدن اعضای جدید در ۱۲ مارس ۱۹۹۹ شامل لهستان، مجارستان و جمهوری چک را تحلیل و بررسی کردند. آینده نسل‌های ناسندگان، عضویت این کشورها که جزو اقمار شوروی سابق به شمار می‌آیند، ممکن است این کشورها را در میان دیگر متحدان سنتی روسیه ایجاد کند تا به عضویت ناتو درآیند و اتحاد دیرین خود با این کشور برهم زنند. از دید ریگلی، این وضعیت چیزی جز آغاز رقابت تسلیحاتی و ایجاد بازاری پرسود برای تاجران اسلحه نیست؛ موضوعی که ریشه آن را باید در پیش‌زمینه‌های تاریخی

۲- Filiz Cekic

۳- Christopher Wrigley

یافت و پرسید که چرا ائتلاف ضد شوروی که پس از پایان جنگ سرد باقی مانده، به دنبال از بین بردن روسیه است و چطور اروپا در ایجاد ساختار امنیتی مناسب ناکام مانده است. آنها می‌نویسند:

«ناتو در اصل مکمل استراتژیک طرح مارشال بود که ایالات متحده را به دفاع از دموکراسی اروپایی متعهد می‌کرد و اروپای غربی را درون سیستم اقتصاد بازار آزاد که ایالات متحده مبنایی برای شکوفایی‌اش قرار داده است، وارد می‌کرد. تجزیه شوروی شاید فرصتی برای تکرار طرح مارشال و حمایت از کشورهای تازه استقلال یافته ایجاد کرده باشد؛ اما واقعیت مطلب این است که گسترش ناتو به شرق در حال حاضر، به دلیل خطر بودجه‌ای که ایالات متحده آمریکا گرفتارش است، نمی‌تواند طرح مارشال را جایگزین کند» (Cekic and Wrigle 2006).

در سال‌های نخستین پس از جنگ سرد که نسبت به جایگزین‌های ناتو نظرخواهی می‌شد، رهبران فرانسه و آلمان از سازمان امنیت و همکاری اروپا امید داشتند که روسیه را هم در بر گرفته و امنیت را در اروپا و انگلستان و آمریکا هر طریقی که حضور ایالات متحده را تضعیف می‌کرد و منجر به وقوع حوادثی همچون بحران یوگسلاوی (۱۹۹۱-۱۹۹۵) نشان داد که اروپا بدون آمریکا توانایی حل مشکلاتش را ندارد؛ بنابراین، ناتو نه تنها باقی ماند؛ بلکه گسترش پیدا کرد تا فضای بین آلمان و روسیه را پر کند. سکیک و ریگلی به سخنان تونی بلر اشاره می‌کنند که همان از ناتو به عنوان «ارتش نظامی نظم نوین جهانی» نام برده بود و می‌نویسند:

«از آنجا که این نظم نوین جهانی، غربی است، پتانسیل تعارض بیشتر با آن آشکار است و روسیه در حال بروز علائمی حاکی از گرایش به سمت انزوا و دشمنی است که می‌تواند به آن این امکان را بدهد تا با چین دوستی مجدد داشته باشد، این در حالی است که کشورهای اروپای شرقی که پیش از این، عضو اتحادی نظامی بودند، در حال حاضر، به پذیرش مسئولیت جدید (هزینه‌های نظامی جدید) دیگری دعوت می‌شوند که می‌تواند به اقتصادهای شکننده آنها آسیب بزند (Ibid).

در مجموع، هر چند مطالعه این اثر دربردارنده اطلاعات و دیدگاه‌های جدیدی برای خواننده است، اما به دلیل پوشش ندادن کامل موضوعات مد نظر این پژوهش و حوادث جدید ناقص می‌نمایاند و نیاز به تألیف آثار جدید دیگری را نشان می‌دهد.

ریموند گارتف نویسنده دیگری است که در مقاله «ناتو و روسیه: نگاهی به آینده» روند رو به گسترش ناتو به شرق را بررسی و تحلیل می‌کند و می‌کوشد با ارائه دیدگاه‌های دو طرف در زمینه‌های مختلف به تحلیل جامعی در این زمینه دست یابد. وی اشاره می‌کند همان‌گونه که ناتو عضویت و نقش خود را در خدمتگزاری به امنیت اروپایی گسترش می‌بخشد، این بسیار مهم است که توجه درخوری به ایجاد رابطه مثبت با روسیه داشته باشد. از دید وی، پیمان اساسی‌ای که درباره روابط، همکاری و امنیت متقابل بین ناتو و فدراسیون روسیه در ۲۷ می ۱۹۹۷ امضا شد برای تأسیس مشترک ناتو - روسیه زیر نظر آن تأسیس شد، مبنا و چهارچوبی برای توسعه همکاری مشترک و رفع نگرانی‌های هر دو طرف است. او می‌گوید ناتو باید همکاری خود را با روسیه گسترش بخشد تا از این رهگذر منافع این کشور نیز همچون منافع ناتو تأمین شود. در این راه، اگر روسیه در سیستم جدید امنیت اروپایی مشارکت داده شود، ناتو از توان بیشتری برای برقرارسازی امنیت در اروپا برخوردار خواهد شد؛ موضوعی که تا حد زیادی به تحول آتی روسیه بستگی دارد. این تحول، چنین تحولی در روابط روسیه با ناتو به این اقدام درخور توجه بستگی دارد که آیا ناتو به حیات خود ادامه خواهد داد تا تغییرات پس از جنگ سرد شامل تحقق پیمان بنیادی با روسیه را به «ناتو» بکشد. از نظر گارتف، گسترش ناتو بر ضد روسیه جهت‌گیری نشده است با وجود این، بر بسیاری از روس‌ها از سرگیری اتحادهای سیاسی - نظامی پس از جنگ سرد از سوی غرب که آنها را جذب کردن اعضای سابق پیمان ورشو انجام می‌گیرد، آن هم در حالی که هیچ تهدیدی از سوی روسیه وجود ندارد، فقط ایجاد تهدیدی جدید برای روسیه به شمار شود. برخی دیگر هم به مخزن یک طرفه این ادعا که حرکت ناتو به سمت شرق تهدید نظامی مستقیمی برای روسیه است، دقت می‌زنند. با توضیح بیشتر مباحث مزبور نویسنده به این پرسش اصلی می‌رسد که چرا به‌رغم برتری هسته‌ای و اتحادهای متعدد، ناتو همچنان به دنبال گسترش مرزهای خود با روسیه است و آینده این روابط چگونه خواهد بود (Garthoff 2006). همان‌گونه که پیداست مقاله بیشتر ناظر بر روابط ناتو - روسیه و موضع‌گیری‌های کلی دو طرف درباره مباحث گسترش ناتوست و

قصد ندارد تا به بررسی موضع‌گیری‌های مقامات روسیه به طور جداگانه و تأثیر آن بر گسترش ناتو به شرق پردازد که باعث می‌شود تا حدی از موضوع مورد پژوهش ما دور باشد.

«امنیت روسیه یا گسترش ناتو» نام مقاله‌ای است که آلکسی آرباتف^۴ نوشته است. وی با مرور حوادث پس از جنگ سرد شامل اتحاد مجدد آلمان و نیز فروپاشی پیمان ورشو، شوروی و کمونیسم در اروپای شرقی، روند گسترش ناتو و تأثیر آن را بر امنیت روسیه بررسی می‌کند. بخش نخست مقاله وی بررسی میزان تحلیل رفتن قدرت روسیه چه از بعد نظامی و چه استراتژیکی است. از دید نویسنده، بر هم خوردن شدید موازنه نظامی در منطقه و جهان نگرانی‌های درخور توجهی را بین طراحان استراتژی نظامی روسیه سبب شده است. به همین سبب، آنها کار زیادی از نیروهای خود را در بخش‌های اروپایی روسیه متمرکز کرده‌اند و بر اتکا به سلاح هسته‌ای به یک بازدارنده تأکید می‌کنند. در برابر این وضعیت پرسش مطرح برای آرباتف این است که روسیه به مقدار می‌تواند و باید قوی شود؟ پاسخ وی به این پرسش آن است که روسیه از قدرت استراتژیک توانایی بسیاری برای جبران برهم زدن موازنه قدرت نظامی برخوردار نیست و در صورت تبدیل به این امر، نه تنها شرایط را بدتر می‌کند؛ بلکه هزینه‌های گزافی را نیز بر اقتصادش تحمیل خواهد کرد که در نهایت، فروپاشی ارتش این کشور را به همراه خواهد داشت. آرباتف پس از آن به موضوع عضویت لهستان در ناتو و تأثیرات آن بر امنیت روسیه می‌پردازد. به عقیده وی، عضویت لهستانی‌ها در ناتو می‌تواند به تلاش‌ها برای بناکردن عمارت امنیت اروپایی با ستون‌هایی اروپایی، روسی، غربی، ایالات متحده، روسیه و بلوک بزرگ دولت‌های بی‌طرف پایان دهد. به گفته وی، اگر این نیست که چنین عضویتی بلافاصله تهدیدی نظامی برای روسیه ایجاد می‌کند، ما شماری از کشورهای عضو ناتو (فرانسه، دانمارک و نروژ) را نیز داریم که سازویرگ نظامی خارجی‌ای در سرزمینشان ندارند و لهستان می‌تواند الگوی آنها را دنبال کند. مشکل این است که شاید عضویت لهستان در ناتو سلسله واکنش‌هایی را پدید آورد که با از هم گسستن کمربند امنیتی اروپای بی‌طرف بین غرب و روسیه و ایجاد رویارویی مجدد، آغاز تا درگیر کردن نیروی نظامی روسیه در طرح‌های استراتژیک بلند مدت را شامل می‌شود. مهم‌ترین دلیل این امر عبارت است از اینکه هنگامی که ناتو بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای گسترش به سمت شرق را آغاز کرد، روسیه وظیفه خود

دانست که خط دفاعی‌اش را به سمت غرب تا حد امکان حرکت دهد؛ در واقع، این اقدام ناتو سیاست‌های مسکو را نسبت به منطقه کالینگراد، دولت‌های بالتیک، اوکراین، بلاروس، مولداوی و کشورهای اروپایی تغییر داد و تجمع نیروهای را که در بخش‌های اروپایی روسیه بودند، تقویت کرد با این وضعیت احتمال می‌رود که تعارضات قومی و سرزمینی و برخورد بر سر بخش‌های میراث نظامی اتحاد جماهیر شوروی شامل نیروهای هسته‌ای آن نیز بیشتر شود؛ موضوعی که سبب می‌گردد همسایگان روسیه در غرب این اقدامات را تهدیدی امنیتی در نظر بگیرند و به هدف پیوستن ناتو بپیوندند.

همان‌گونه که پیداست آرئاتف در مقاله خود بیشتر به تهدیدات امنیتی ناشی از گسترش ناتو می‌پردازد و چندین بار به این که ساختار تصمیم‌گیری در هیئت حاکمه روسیه، چرخش نخبگان و محیط بین‌المللی است تصمیم‌ها، مسکو دارد، نمی‌پردازد؛ بنابراین، به‌رغم اطلاعات ارزشمندی که در اختیار خواننده می‌گذارد، تأثیر سیاست‌های روسیه بر گسترش ناتو را بررسی نمی‌کند (Arbatov 1994).

«رابطه ناتو - روسیه؛ یک سال پس از ریس» نام مقاله دیگری به قلم کلاس پیتز کلاایبر، دستیار دبیرکل ناتو در امور سیاسی، همان طوری که از نام مقاله نیز برمی‌آید، پیتز کلاایبر در این مقاله پیمان پاریس را که معاهده‌ای بنیادین درباره روابط، همکاری و امنیت متقابل است، بررسی می‌کند. این معاهده درست چند هفته پیش از برگزاری نشست مادرید منعقد، و به‌منزله نقطه عطفی در عصر پس از جنگ سرد در روابط روسیه و ناتو دانسته شد؛ زیرا، نخستین معاهده‌ای بود که بنیان پیوند استراتژیک جدیدی را بنیادین کرد و مسئولیتی برای شکل دادن به چشم‌انداز امنیت اروپایی جدید در قرن بیست و یکم را فراهم می‌آورد. از دید نویسنده، این پیمان شکل جدیدی از مشاوره را درباره موضوعات امنیتی در شورای دائمی مشترک^۵ شکل داد که از طریق آن اشکال جدید و بی‌سابقه‌ای از همکاری در میان مشترک پیتز کلاایبر می‌کوشد تا در مقاله خود، با بررسی سازوکارهای همکاری، جهت‌دهی صحیحی را نسبت به آینده امنیت مشترک و ثبات در اروپا ترسیم کند (Klaiber 1998).

بنابراین، با توجه به ضرورتی که در این رابطه وجود دارد، بر آن شدیم تا این کتاب را در هشت فصل طبقه‌بندی کنیم.

در فصل نخست، مدل تئوریک برگزیده برای انجام دادن تحقیق حاضر معرفی و تبیین می‌شود. در این فصل، از رهگذر بررسی و ارزیابی مدل‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌کوشیم تا آن مدلی را که در تحلیل سیاست خارجی روسیه، به‌ویژه نسبت به ناتو توانایی بیشتری داشته باشد، شناسایی و تشریح کنیم؛ الگوی برگزیده در این تحقیق، مدل تصمیم‌گیری رابرت جرویس است؛ زیرا، اندامواره این مدل بهتر می‌تواند پویایی قدرت در روسیه و نیز نقش نخبگان را در تعیین سیاست خارجی آن کشور تحلیل کند. این موضوع که چرا و چگونه فرایند تصمیم‌گیری در روسیه در اختیار حلقه‌ای از مردان متنفذ امنیتی با پیش‌زمینه‌ها و ادراکات خاص خود نسبت به محیط بین‌المللی قرار گرفته، موضوعی است که می‌توان آن را در قالب مدل یاد شده تبیین کرد.

در فصل دوم، روابط شوروی با سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) طی دوران جنگ سرد کاوش و بررسی می‌شود. در این مرحله، قدر مسلم، روابط دو پیمان ورشو به رهبری شوروی و ناتو به رهبری ایالات متحده آمریکا در قالب ستیز رویارویی فهم‌پذیر است. چگونگی شکل‌گیری دو پیمان با یکدیگر، به‌ویژه در زمان وقوع بحران‌های بین‌المللی و سرانجام، بررسی علل فروپاشی ورشو، از موضوعات مهمی است که در این فصل درباره آن بحث می‌شود.

در فصل سوم، به سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو در دهه ۱۹۹۰ که دوره زمامداری یلتسین در روسیه بوده است، پرداخته می‌شود. در این فصل، با اشاره به مسئله نبود انسجام و ثبات سیاست خارجی روسیه در برابر این مسئله بی‌۱۹۹۰ و جهت‌گیری متفاوت و متضاد گروه‌های مختلف سیاسی در برابر آن و نیز تأثیر تحولات سیاسی داخلی بر روند کلی سیاست مزبور، این بررسی در سه مرحله عمده مطالعه شده است. باید یادآور شد که تقسیم‌بندی این مراحل با توجه به ناهماهنگی و بی‌ثباتی سیاست خارجی روسیه در دهه ۱۹۹۰ در قبال گسترش ناتو، شاید تا حدی درست به نظر نرسد؛ اما با توجه به تمایزات خاص و مهم در سیاست خارجی روسیه در این دوره و لزوم تقسیم‌بندی‌های کلی برای مطالعه سیستماتیک و دقیق‌تر، این امر ضروری به نظر می‌رسد، نخست، پس از اشاره‌ای کوتاه به تحولات ناتو در هنگام پایان جنگ سرد، به مرحله اول می‌پردازیم که سیاست خارجی غرب‌گرایانه روسیه در ۱۹۹۰ است. سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو در این مرحله گرایش به ناتو و اعلام همکاری با آن بوده است. مرحله دوم که سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ را

شامل می‌شود، با توجه به قدرت گرفتن ملی‌گرایان و اوراسی‌گرایان در روسیه، آغاز مقاومت در برابر گسترش ناتو بوده است. مرحله سوم که سال‌های بعد از ۱۹۹۶ را دربرمی‌گیرد، تداوم مخالفت با گسترش ناتوست که در این مرحله، با نوعی تعامل و همکاری با ناتو برای تأثیرگذاری بر روند گسترش ناتو همراه بوده است.

در فصل چهارم، سیاست خارجی روسیه براساس مدل نظری برگزیده واکاوی و تحلیل می‌شود. چگونگی مفصل‌بندی نخبگان سیاسی در ساختار تصمیم‌گیری روسیه و نیز تأثیر این نخبگان بر فرایند سیاست خارجی این کشور از مهم‌ترین اهداف فصل چهارم است. پس از بررسی رابطه‌ها و جناح‌های مختلف قدرت، به بررسی ربط و نسبت تغییر و جابه‌جایی نخبگان، پیشینه، محیط‌های سیاسی و اجتماعی گروه حاکم با دینامیسم سیاست خارجی روسیه پرداخته می‌شود.

در فصل پنجم، سیاست‌های روسیه و نخبگان حاکم نسبت به فرایند توسعه‌طلبی جغرافیایی و کارکردی ناتو طی دو مرحله پیش از وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا پایان دور نخست ریاست‌جمهوری وی بررسی می‌شود. در حقیقت، این فصل با تکیه بر منطق حاصل از فهم فرایند شکل‌گیری سیاست خارجی در دوران نخست‌ساله ریاست‌جمهوری پوتین، به بررسی این سیاست خارجی در قبال گسترش ناتو به شرق طی دوره نخست ریاست‌جمهوری وی می‌پردازد. این فصل با تأکید بر مدل نظری برگزیده بود در پی آن است که دریابد چه عوامل یا متغیرهایی نخبگان سیاست خارجی روسیه را در تصمیم‌گیری محدودی نسبت به مقوله گسترش ناتو قرار داده است و آنان در واکنش به این عوامل، چه سیاستی را در قبال مسئله گسترش در پیش می‌گیرند.

در این قسمت می‌کوشیم تا از رهگذر تحلیل سیاست خارجی روسیه نسبت به گسترش ناتو به سمت شرق شناخت دقیق‌تری از محتوا و بن‌مایه اصلی این سیاست به همراه رابطه‌های همکاری‌جویانه دارد، ارائه دهیم. فاز بعدی این فصل به تشریح شاخص‌های همکاری روسیه با ناتو می‌پردازد و مقوم‌های اصلی جهت‌گیری این کشور را نسبت به ناتو شناسایی می‌کند.

در فصل ششم، تلاش می‌شود تا با توجه به هویت ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه استدلال شود که این کشور روند گسترش ناتو به شرق را به تدریج، تهدیدی برای خود می‌داند

و در مقابل آن با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، مقاومت کند تا بدان حد که از مرحله تعامل با ناتو به تدریج، به فاز تقابل با آن کشیده شود.

در ادامه این فصل، با تأکید بر نقش گروه اصلی تصمیم‌گیرنده در دور دوم ریاست‌جمهوری پوتین در تغییر سیاست روسیه نسبت به گسترش ناتو از تعامل نسبی به تقابل نسبی، به این موضوعات پرداخته می‌شود: شاخص‌های تقابل شامل مخالفت با استقرار سامانه سپر دفاع موشکی امریکا در چک و لهستان، بهره‌گیری از انرژی به‌منزله ابزار امنیتی نسبت به کشورهای اروپای شرقی، تثبیت حوزه‌های نفوذ نظامی - امنیتی در منطقه خارج نزدیک، تثبیت موقعیت نظامی - امنیتی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز با ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی^۶ و جز آنها. همچنین به تلاش‌های روسیه می‌کوشد، نشان دهد که هرچند در گذشته، به‌ویژه تا قبل از فروپاشی شوروی بافت سیاست نفوذ روسیه میان جمهوری‌های عضو جامعه کشورهای مستقل همسود و میان کشورهای سابقاً عضو اتحاد جماهیر شوروی در اروپای شرقی، نظامی - امنیتی بوده است، هم اکنون، به‌غیر از این نفوذ، اقتصادی در چهارچوب رویکردی امنیتی است. نگارنده در این فصل برای آزمون دقیق‌تر دیدگاه‌ها و استدلال خود، مصاحبه‌هایی را با دو تن از پژوهشگران و صاحب‌نظران برجسته گریستان انجام داده است.

فصل هفتم، به طور مستقل به موضوع بررسی سیاست خارجی روسیه در قبال گسترش ناتو در دوره مدودف پرداخته است.

و سرانجام در فصل هشتم، آثار تحولات روابط روسیه و ناتو در دوره مدودف بر روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود.